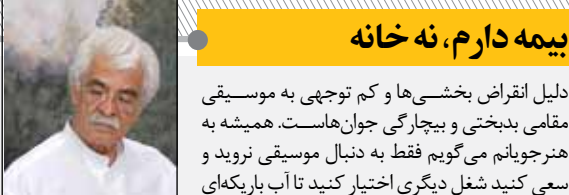


۴۵ سال است کار می‌کنم نه بیمه دارم، نه خانه

محمد یگانه دوتارنو، مقام‌دان و مقام خوان از فضای موسیقی به شدت دلزده است و از مسئولان بابت بی‌توجهی به پیشکسوتان و استادان تأثیر گذار موسیقی، گل‌مند است. این پیشکسوت موسیقی خراسان در گفتگویی پیرامون سالهای فعالیتش در عرصه هنر اظهار داشت: ۴۵ سال است موسیقی را آموزش می‌دهم، اما نه بیمه‌ای دارم و نه خانه‌ای. همه عمرم را به مستاجری گذرانده‌ام. زمانی که من به عنوان پیشکسوت چنین وضعیتی دارم چگونه انتظار دارید نسل جوان سرخورده نشوند؟! بدون تعارف



دلیل انقراض بخشی‌ها و کم توجهی به موسیقی مقامی بدبختی و بیچارگی جوان‌هاست. همیشه به هنرجویانم می‌گویم فقط به دنبال موسیقی نوید و سعی کنید شغل دیگری اختیار کنید تا آب باریکی‌ها داشته باشید. بهتر این است که آنها حقوق و درآمد

دیگری داشته باشند و موسیقی را در کنارش ادامه دهند و جز این راهی نیست. یگانه در بخش دیگری از سخنانش گفت: متأسفانه در کشور ما وقتی هنرمند هست، نیست و زمانی که از دنیا می‌رود،

تحلیلی بر چرایی عدم نصب سنگ مزار خواننده مناجات «رینا»

غربت غریب‌شجریان



«اساسی ترین پرسش این گزارش این است که اگر مسئولان ما تا این اندازه دقیق و حساب شده در جهت خدمت رسانی به مردم عمل می‌کنند پس چرا ما مردم اینهمه مشکل داریم؟ چرا اینهمه تورم داریم؟ چرا اینهمه بیکاری داریم؟ چرا اینهمه فقر داریم؟ چه زمانی قرار است این مشکلات حل شود؟ اصلا قرار است حل شود یا مدیریت دقیق و ساتی متری برای حل مشکلات مردم فقط شامل سنگ مزار استاد محمدرضا شجریان است؟»

بگذریم از اینکه از یک زمانی به بعد با وجود درخواست بسیار زیاد مردم مینی بر پخش دیکی رننا از تلویزیون، صدا و سیما حاضر نشد از موضع خود عقب نشینی کند و این مناجات روح بخشی را روی آنتن شبکه‌های خود بفرستد و عذر و بهانه اش هم این بود که خود استاد اجازه این کار را به رسانه ملی نداده است در حالیکه همه ما خوب می‌دانیم که استاد علیرغم اینکه تأکید کرده بود هیچ‌کدام از آوازهایش اجازه پخش از تلویزیون را ندارند اما درباره «رینا» استثنای قائل شده و بیان کرده بود که این مناجات خوانی از آن من نیست و به مردم ایران تعلق دارد و رسانه ملی می‌تواند همواره در ماه مبارک رمضان در هنگام افطار آن را پخش کند.

بگذریم از اینکه محمدرضا شجریان علیرغم طرفداران بیشماری که داشت همواره به صورت مستقیم و غیرمستقیم با افرادی مواجه بود که به دلایل غیر هنری و بعضا سیاسی او را دوست نداشتند و معتقد بودند که نباید به شخصیت هنری از اینهمه بها داد.

بگذریم از اینکه هنگامی که استاد از دنیا رفت این عده خاص شروع به جار و جنجال کردند که چرا باید اینهمه مردم در مراسم تشییع پیکر او شرکت کنند و در شرایط کرونایی باعث منتشر شدن بیشتر ویروس شوند(البته این دلیل کاملا موجه بود و متأسفانه اگر بنگریم می‌توان آن را منطقی دانست اما به شرطی که در جاهای دیگری (مثلا مراسم خداحافظی محمدرضا گلزار از پروژه نمایش خانگی «عاشقانه» شاهد باشیم که یک عالمه آدم بدون هیچ ماسکی در کنار هم ایستاده‌اند یا هم عکس سلفی می‌گیرند و در لایو اینستاگرامی قربان صدقه گلزار می‌شوند که: «همکاری صمیمانه‌ای با هم داشتیم و امیدواریم که باز هم با هم کار کنیم و…» تازه این محمدرضا گلزار به عنوان بازیگر سریال «عاشقانه» بیشتر به کرونا مبتلا شده بودند و می‌دانستند چقدر سخت است اما با این حال باز هم مردم را گرد هم آوردند و در لایو اینستاگرامی شروع به لبخند زدن کردند) با این تفکیرس این پرسش مطرح می‌شود که آیا فقط تجمع کردن برای وداع با هنرمندی که دوستش داریم در شرایط کرونایی بد و ناپسند است و نباید آن را انجام داد؟ و مجازیم که در گردهمایی‌های شاد را مرتکب شویم در حالی‌که هیچکدامشان حتی یک ماسک ساده هم به صورتان نداریم؟ آیا آن بد است و این خوب؟ چنین استدلالی را کدام محکمه می‌پذیرد؟ بگذریم از اینکه پس از نزدیک به دو سال وقفه از عملیاتی شدن مصوبه شورای شهر بالاخره نام استاد محمدرضا شجریان روی خیابانی نشست اما خیلی زود عده‌ای قلیل آمدند و تابلوی خیابان ایشان را مخدوش کردند.

از همه اینها بگذریم در حالی‌که همه اینها به ما می‌گویند محمدرضا شجریان با اینکه در عرصه جهانی هنرمندی شناخته شده بود اما مردم سرزمین خودش بسیار کم او را می‌شناختند و رفاقت و هموطن بودن و عدالت و انصاف را آنچنان‌که شایسته استاد بود در حق او رعایت نکردند، بگذریم هرچند که تک تک این مسائل

پیام دهکردی در «افرا»

بازی پیام دهکردی در سریال «افرا» به کارگردانی بهرنگ توفیقی به تازگی آغاز شده و این بازیگر جلوی دوربین رفته است. وی

در این سریال نقش یک وکیل را دارد. تصویربرداری سریال درام اجتماعی و خانوادگی «افرا» همچنان در شمال کشور و شهرهای لاهیجان، لنگرود، رشت، کیشهر، زیبا کنار، لشت

ننشا، پارک جنگلی بوجاق و… ادامه دارد. به گزارش خبرآنلاین، سازندگان به جای خلاصه داستان این متن ارائه داده‌اند: در یگانه مه آلود یک روز پاییزی، در زیر شاخه‌های پرشکوه افرا، فرزندی زاده می‌شود؛ حاصل وصلت شوم اخلاق و منفعت. چشمان پیر افرا، یگانه شاهد این راز در اعماق جنگل است. شاهدی که آموخت در نگاه عاشقانه به زندگی، فقط صاحب تنهایی خوشی…

usef.poet@gmail.com

فرهنگی

هست و وجود دارد. تقدیر و ساخت تندیس و مجسمه به چه درد می‌خورد وقتی هنرمند در این دنیا نیست. اصلا مجسمه‌هایی از طلا بسازند یا خیابان‌ها به اسم هنرمندان کنند، چه دردی از آن افراد دوا می‌شود؟ به گزارش ایلنا، وی اظهار داشت: اسمش این است که

موسسه هنرمندان پیشکسوت داریم اما تنها اتفاقی که توسط این موسسه برای افتخاره این است که مقابری خوراکی را در جعبه‌ای گذاشته و برایش ارسال کرده است. این چه کاری است؟!

طرح چند سوال

در متنی که همراه تصویر مزار استاد شجریان منتشر شده چند امثال مهم وجود دارد که ما را با سوالهایی مواجه می‌کند که ممکن است هیچ شخصی نتواند جوابشان را در هیچ زمانی بدهد. در ادامه به بررسی این فاکتورها می‌پردازیم.

- عنوان شده که هفتاد و هشت روز (با احتساب امروز می‌توانید بخوانید هشتاد روز) از درگذشت خسروی آواز ایران می‌گذرد اما مزار ایشان همچنان بدون سنگ است و بدتر آنکه آنچه را هم که بوده (از گلها و میله‌ها و تابلوی بزرگ تصویر استاد) برداشته و برده‌اند و فقط مزار استاد مانده و مزار استاد. اولین پرسش این است: چرا؟ ده روز دیگری می‌شود سه ماه تمام. پرسش اینجاست که آیا واقعا اینهمه مدت برای ساخت و نصب سنگ مزار استاد کافی نیست؟ و اگر کافی نیست چه اندازه وقت نیاز است تا انجام چنین کاری به سرانجام برسد و مزار خسروی آواز ایران صاحب سنگ شود؟ ۶ ماه؟ یک سال؟ دو سال؟ ۵ سال؟ چقدر؟

در مرحله بعد عنوان می‌شود که طراحی سنگ مزار ایشان انجام شده و تا تأیید خانواده استاد و همچنین مسئولان وزارت ارشاد نیز رسیده است اما نصب آن تاکنون انجام نشده است. در اینجا هم مشخص نمی‌شود که به چه دلیل نصب انجام نشده؟ آیا سنگ مزار در مرحله طراحی باقی مانده یا صددرصد تراش و ساختن آن هم انجام شده؟ اگر اولی است که باید عنوان کرد که حالا حالا باید صبر پیشه کنیم تا سنگ مزار از مزار طراحی به مرحله ساخت برسد و اگر دومی است که یعنی به زودی (بخوانید معلوم نیست چه زمانی) باید شاهد نصب سنگ مزار باشیم. فقط امیدواریم سنگ مزار ساخته شده باشد سردیس‌های هنرمندانی که در باغ هنر خانه هنرمندان نصب شده نباشد که داد همه را در بیابورد که این چیست که ساخته‌اید؟

- حالا به جای می‌رسیم که برخی از دلایل عدم نصب سنگ مزار مشخص می‌شوند: مثلا «محدودیت‌های کرونایی و پاره‌ای از ایرادها و مخالفت‌های مسئولان و متولیان» صدافانه‌گر بنگریم کار نصب سنگ مزار استاد شجریان به هیچ عنوان از برگزاری مراسم تدفین ایشان که در شرایط کرونایی صورت گرفت سخت تر نیست. سوال اینجاست که چطور با وجود آنچه جمعیت مراسم تدفین ایشان انجام شد اما نصب سنگ مزارشان به دلیل شرایط کرونایی تاکنون صورت نگرفته؟ نکند منظورشان این است که محدودیت های کرونایی ادامه دارد سنگ مزار نصب نخواهد شد؟ در مرحله بعد به پاره‌ای از ایرادات و مخالفت‌های مسئولان و متولیان اشاره می‌شود مواردی مانند «ابعاد سنگ مزار که ۸۰ در ۱۰۰ سانتیمتر است و به این دلیل که ممکن است این رفت و آمد مردم مشکل کند (مسئولان و متولیان بیشتر دریافته‌اند که مشکل ایجاد خواهد کرد) باید طول آن ۱۰ سانتی متر کوتاه شود.» این یعنی مهمترین دلیلی که مانع نصب سنگ مزار استاد شجریان شده، زیاد بودن طول سنگ مزار ایشان به اندازه ده سانتی متر است) همه ما در خاطراتان باشد و وسیله‌ان دفترهایمان را خط کشی می‌کردیم. آن خط کش‌ها را نصف کنید، نصفه آن را در دست بگیرید تا بی‌باز هم چرایی عدم نصب سنگ مزار اسطوره موسیقی سنتی ایران ببرید. اینکه بودن چنین ابعادی (ده سانتی متر) روی سنگ مزار استاد چگونه می‌تواند در رفت و آمد مردم مشکل ایجاد کند به کنار، کاری با آن نداریم. اینکه با کم شدن این ابعاد مشکل رفت و آمد مردم به صورت کامل حل خواهد شد هم به کنار، با این هم کاری نداریم.اینکه مسئولان چگونه بررسی کرده‌اند که به چنین نتیجه‌ای رسیده‌اند مهم است. این موضوع نشان می‌دهد که مسئولان ما در حل مشکلات مردم حتی به ساتی مترها هم توجه می‌کنند تا پرسش سرزمین ما راحت تر زندگی کنند. با این تفسیر اساسی ترین مردم این گزارش این است که اگر مسئولان ما تا این اندازه دقیق و حساب شده در جهت خدمت رسانی به مردم عمل می‌کنند پس چرا ما مردم اینهمه مشکل داریم؟ چرا اینهمه تورم داریم؟ چرا اینهمه بیکاری داریم؟ چرا اینهمه فقر داریم؟ چه زمانی قرار است مشکلات حل شود؟ اصلا قرار است حل شود یا مدیریت دقیق و ساتی متری برای حل مشکلات مردم فقط شامل سنگ مزار استاد محمدرضا شجریان است؟

ویولن ۳۱۰ ساله سرقت شد

پلیس فدرال آمریکا از بوده شدن یک ویولن عتیقه و نایاب ۳۱۰ ساله از خانه‌ای در محله لس‌فلیز لس‌آنجلس خبر داد. ویولن

به سرقت رفته یک ساز آماتی محصول ۱۷۱۰ میلادی است که از چوب افرا و صنوبر آلمی و به دست هیرونیموس آماتی دوکم از معروف ترین ویولن‌سازان تاریخ موسیقی ساخته شده است. این

ساز در سال ۲۰۱۳ در یک حراجی به قیمت بیش از نیم میلیون دلار به فروش رفت و قیمت کنونی آن بین ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار دلار تخمین ده می‌شود. به گزارش ایرنا از لس‌آنجلس تایمز، این ویولن در اتومبیل تسلای سفیدرنگ «رولاند وینستین» قرار داشت که در بیرون خانه‌اش در محله لس‌فلیز پارک شده بود. این ماشین ۸ دسامبر (۱۸ آذر ۹۹) توسط یک فرد ناشناس به سرقت رفت.

رضارویگری و سختی پرداخت اجاره خانه

رضارویگری بازیگر سینما و تلویزیون که به تازگی برای بازی در یک سریال عازم مشهد شده بود می‌گوید: کار کردن در روزهای کرونایی از پرداخت اجاره خانه سخت تر نیست. این بازیگر پیشکسوت درباره حال و هوای زندگی در ۷۵ سالگی، چنین می‌گوید: دیگر چیزی از عمر نمونده است. دلم می‌خواهد هر قدر دیگر که هستم، در آرامش بگذرد؛ هیچ چیز برایم از آرامش و سلاطی مهمتر نیست. این هنرمند که چند سالی می‌شود درگیر بیماری

آفتاب

یکشنبه ۷دی ۱۳۹۹ • شماره ۵۹۱۳

«سهم زن» روی صحنه

آفتاب یزد: محمد قنبری پس از نمایش «اتاق عروس» قرار است «سهم زن» نوشته والتین کارسناگوروف با ترجمه ماندانا مجیدی را روی صحنه ببرد و با تولد و اجرای این نمایش، گامی برای بهبود وضعیت هنرمندان جوان بردارد. این دومین اثر از کارسناگوروف است که توسط این کارگردان روی صحنه می‌رود. «سهم زن» درباره دو زن است که به بیمارستان آمده‌اند تا با شوهرانشان ملاقات کنند، آن هم خارج از زمان ملاقات و به‌صورت پنهانی.

نقد فیلم



اهالی سینما فرزاد مومتن را به «شب‌های روشن» می‌شناسند. فیلمی که حدود هجده سال قبل تبدیل به یک کالت ماندگار سینمایی شد و هنوز که هنوز است طرفداران خود را همسو با داستان خود نگه داشته است. البته در آن زمان فیلم مزد خود را در امر اقتباس موفق از رمان «شب‌های روشن» داستایوفسکی و نویسندگی سعید عقیقی گرفته بود. اما اینبار که نیز فرزند مومتن برای ساخت فیلم جدیدش قصد اقتباس و برداشت آزاد از رمان‌های دیگری چون «رمان گرسنگی» اثر کنتوت هامسون و همچنین «پس از تاریکی» اثر هاروکسی موراکامی را داشته، بسیار بد عمل کرده است. مخاطب در فیلم «سراسر شب» شبه‌جویان روشنفکری را در حال تناول در کافنای نظاره‌گری می‌کند که قرار است وضعیت فلاکت بار گرسنگی جوانان بی‌نام خیابان‌های شهر اسلو رمان «گرسنگی» را نمایندگی کنند. از طرفی دو خط روایی رمان «پس از تاریکی» هاروکسی موراکامی که به رابطه پیچیده دو خواهر می‌پردازد نیز در فیلم مومتن وجود کارکترهای «مریم» و «مهتا» به صورت جسسته و گریخته و غیر منسجم روایت میشود. می‌توان گفت که در ذهن فیلمساز رمان «گرسنگی» رمان «پس از تاریکی» را بلعیده و سپس تلف شده است. در فیلم فرزاد مومتن نه خبری از بی‌هدفی رئالیستی عده‌ای جوان در رمان گرسنگی است و نه مقایسه‌ دو خواهر در این فیلم و مرده نمایی یکی و زنده نمایی دیگری قابل قیاس با اتمسفر رئالیسم جادویی رمان «پس از تاریکی» را دارد.

شخصیت پردازی در فیلم «سراسر شب» با تأکید بر همه کارکترها و در عین حال هیچ کدامیک از آنها نیست. می‌توان هر کدام از شخصیت‌ها را به صورت مقطعی به عنوان شخصیت کانونی فرض کرد و بخش‌هایی از داستان را از زوایای دید او گذراند و می‌توان راوی گری را به عهده دوربینی گذاشت که در حال پرسه زنی از موقعیتی به موقعیت دیگر است. فیلمساز با قاپ بندی‌های تأکیدشی اثی ملام در حال تلقین بازی‌های ذهنی - عینی‌اش است تا در این شبکده خلسه آور، خواب‌راز چشم مخاطب بگیرد. از جایی به بعد نه‌قاب عکس به تکرار افقده «سکوت بره‌ها»

سختگی چشم را به در می‌کند، نه قرینه‌سازی آینه‌وار و تلویزیونی شخصیت‌ها در یکدیگر حرف جدیدی را ارائه می‌کند. حتی کافه نشینی‌های شبانه فیلم نیز، توان انعکاس ماشینیسیم فیلم که آرمانشهر ساخته شده کارگردان نه عقل دارد و نه احساس. بنابراین نه کاراکتر «علی» با بازی بسیار بد سینا حجازی که حتی در سکانسی تخصص یافته، توان لب خوانی ترانه خودش را نیز ندارد می‌تواند عاشق پیشگی را عهددار باد باشد

رویدادهای هنری

«نوری در اقیانوس» می‌آید

آفتاب یزد: فیلم سینمایی «نوری در اقیانوس» فردا ۸ دی‌ماه از شبکه پنج تماشایی می‌شود. قصه این فیلم سینمایی که کارگردانی آن را «توک سینافرنس» در عهده‌دار درباره «تام» نگهبان فانوس دریایی است که یاد دختری به نام «ایزابیل» آشنا شده و با هم ازدواج می‌کنند. «ایزابیل» دویار برادری می‌شود و هر بار پهلایش را از دست می‌دهد و از این‌ موضوع افسرده و غمگین است تا اینکه «تام» یک قایق پیدا می‌کند و …



جایزه برای «باتوقی‌ها»

فیلم کوتاه داستانی «باتوقی‌ها» به کارگردانی سیامک کاشف‌آذر، در ادامه حضور بین‌المللی خود برنده بهترین فیلم از نگاه تماشاگران در فستیوال Seattle آمریکا شد. این جشنواره اخیراً در شهر سیاتل ایالات متحده آمریکا برگزار شد. به گزارش مهر، داستان «باتوقی‌ها» روایتگر مردی است که خانه‌اش در رهن بانک بوده و برای پرداخت اقساط آن دست به قمار می‌زند اما …

ادامه ضبط «دعوت نحس»

تصویربرداری سریال «دعوت نحس» به کارگردانی علیرضا افخمی این روزها در لوکیشن‌های جلده‌ای ادامه دارد. این سریال از آبان ماه وارد مرحله تولید شده است و شمال کشور یکی از لوکیشن‌های این سریال بوده است.

به گزارش ایلنا، در خلاصه داستان این مجموعه آمده است: مانده و زهره دختر عمه و دختر دایی یکدیگرند. آنها همراه با تن دوستی‌شان دیو بسند و شکینیا، برای یک سفر تفریحی عازم شمال شده‌اند. «دعوت نحس» یکی از گزینه‌های ماه رمضان شبکه سه است.



پیش‌گفتار

می‌گویند خاک سرد است، این یعنی وقتی تو یک نفر را از دست می‌دهی و او را به خاک می‌سپاری پس از مدتی کم‌کم مهر او از دل تو درداشته می‌شود و پس از مدتی تو آنچنان که در زمان حیاتش او را دوست می‌داشتی و آنچنان در زمان فوتش برای او مویه می‌کردی، بی‌قراری نمی‌کنی و زمان‌که می‌گذرد به زندگی خود مشغول می‌شوی و رفته رفته فرد متوفی را که روزگاری عزیز دلت بوده فراموش می‌کنی. اولین نکته‌ای که عکس همواره

این گزارش در ذهن ما متبادر می‌کند، همین است. اینکه ما در زمان حیات محمدرضا شجریان مدام استاد استاد کردیم و دور و بر او بودیم و پس از درگذشت ایشان نیز با وجود شرایط کرونایی همه‌چی و حاضر شدیم و برخی‌هایمان تا توس هم رفیقیم تا برای آخرین بار با خواننده مناجات ملکوتی «رینا» وداع کنیم. پس از آن هم روز برای ادای احترام به این مرد بزرگ هنر موسیقی سنتی سر مزارش حاضر شدیم و فاتحه‌ای را کنار روح شریفش کردیم، اما حالا این تصویر نشان می‌دهد که استاد تنها شده و مردم کمتر سرس مزار ایشان حاضر می‌شوند. حتما شما ما من موافقت‌که به قول معروف «کمر عکس زیر بار غمی‌که در آن قرار دارد خم شده» و این خم شدن نه فقط به خاطر هنرمندی است که زیر آن همه خاک به آرامشی ابدی فرو رفته، بلکه بیشتر به این دلیل است که در اطراف مزار ایشان هیچ‌کسی دیده نمی‌شود. البته نمی‌توان لحظه‌ای که این تصویر گرفته شده را به کل ۲۴ ساعت شبانه روز تعمیم داد، ما هم چنین چیزی را بیان نکردیم بلکه تنها اشاره به اندوهی کردیم که در این عکس وجود دارد. اندوهی که قلب هر آدمی را می‌آزارد. اما این عه، فقط مربوط به تنها بودن استاد نیست، چرا که هر آن کس که اسیر خاک می‌شود بالاخره دیر یا زود حتی عزیزترین کسانش کمتر به او سر می‌زنند و در نهایت زمانی فرا می‌رسد که سال پشت سال می‌آید و می‌رود بی‌آنکه حتی یک نفر از کنار مزار فرد از جنبه رفته بگذرد و نگاهی به مزار او کند که این مفهوم هم انگیز همان جمله‌ای است که می‌گویند: «خاک سرد است.» این اندوه به متن خبری که همراه این عکس در روز جمعه در فضای مجازی منتشر شده بود، بر می‌گردد. همان که در ابتدای این گزارش نقلش کردیم. اینکه با گذشت هفتاد و هشت روز (که حالا دیگر می‌توان آن را هشتاد روز به حساب آورد) از درگذشت استاد شجریان متأسفانه هنوز سنگ مزار ایشان نصب نشده و اصلا در شان بزرگی مانند خسروی آواز ایران نیست.

بگذریم

بگذریم از اینکه استاد شجریان در زمان حیاتش نمی‌توانست در سرزمین خودش برای مردم خودش آواز بخواند.

«راجر برلیند» درگذشت

«اجر برلیند» تهیه‌کننده پرکار و سازنده بیش از ۱۰۰۰ نمایش در برادوی در ۹۰ سالگی درگذشت. وی که سازنده نمایش‌هایی

چون «کتاب مورسون»، «هلو، دالی» و «پران هنسن عزیز» بود ۱۸ دسامبر در خانه‌اش در منهتن درگذشت. این فعال حوزه تئاتر مسیری غیرمعمول را در رسیدن به شهرت طی کرده بود

و ابتدا دلش می‌خواست ترانه‌سرا شود اما برای تامین زندگی به وال‌استریت روی آورد. پس از آنکه وی در حادثه سقوط هواپیمای همسر و سه فرزند از چهار فرزندش از دست‌دادار دار جدید زندگی‌اش را در برادوی یافت و به تولید نمایشنامه‌ها در برادوی پرداخت. به گزارش مهر، وی ۲۵ بار جایزه تونی را دریافت کرده بود که آخرینش را سال پیش برای «وکلهما» برد.

حسن دادشکر و تاتاری که فرو ریخته است

حسن دادشکر بازیگر پیشکسوت سینما، تئاتر و تلویزیون معتقد است حال و روز تئاتر در دوران کرونا همچون ساختمانی است که فرو ریخته و بازسازی آن نیازمند اراده‌ای بسیار قوی، توانی بالا و تدابیری حساب شده است. این هنرمند که بیشتر در حوزه تئاتر کودک و نوجوان فعال است، می‌گوید: در این وضعیت بسیار دشوار است که تئاتر دوباره جان بگیرد و سرپا شود. او یکی دو متن نمایشی را برای اجرا در نظر دارد ولی می‌داند فعلا امکان اجرای این نمایشنامه‌ها

اندک است، با این حال اعلام آمادگی می‌کند که

نمایش‌هایی را به صورت حرفه‌ای ضبط کند. به گزارش ایسنا، دادشکر درباره ضبط تئاتر و پخش آن در شبکه‌های نمایش خانگی می‌گوید: چنین کاری می‌تواند نتایج خوبی داشته باشد، هم موجب سرگرم شدن کودکان و نوجوانان می‌شود و هم می‌توان مسایل بهداشتی مشروط به کرونا و بی‌مالتی‌هایی را که در این زمینه انجام می‌شود، از راه غیر مستقیم به آنان آموزش داد.